

Theological Reinterpretation of the Abrahamic Covenant and the Transformation of the Divine-Human Relationship in Jewish Tradition

Qasem Babajanipour

۲۴۷

پژوهشنامه ادیان

Ph. D. Student in Comparative Religion Studies (Christian Theology), University of Religions and Denominations, Qom, Iran, (Corresponding Author):

alamdar6161@gmail.com

Ali Farsimadan

Assistant Professor of Department of Law and Comparative Jurisprudence, Faculty of Islamic Denominations, University of Religions and Denominations, Qom, Iran,

a.farsi@urd.ac.ir

Abstract:

This study offers a theological and emic examination of the transformation of the relationship between God and humanity within the Jewish tradition, focusing on the foundational role of the patriarch Abraham in redefining this connection through the concept of the "divine covenant." It analyzes how the notion of covenant evolved from a ritualistic practice in polytheistic societies into a bilateral pact grounded in faith and loyalty within monotheistic frameworks. By exploring the three primary covenants between God and Abraham as narrated in the Book of Genesis, the article demonstrates how these covenants shaped the religious and cultural identity of the Israelites and consolidated the notions of monotheism, moral responsibility, and personal relationship with the divine. Furthermore, through a comparative lens, the study briefly traces the echoes of this covenantal transformation in Christianity and Islam, highlighting Abraham as the spiritual forefather of all Abrahamic faiths. Drawing on scriptural texts, rabbinic interpretations, and historical-theological sources, this article presents a systematic exposition of the emergence of a renewed paradigm of divine-human interaction in Jewish religious thought.

Keywords: Divine Covenant; Abraham; Judaism; Monotheism; Divine-Human Relationship; Abrahamic Religions.

بازتعریف الهیاتی عهد ابراهیمی و تحول رابطه خدا و انسان در سنت یهودی^۱

علی فارسی مدان^۳

قاسم باباجانی پور^۲

۲۴۸

پژوهشنامه ادیان

چکیده

این مقاله با رویکردی الهیاتی و درون‌دینی به تحلیل تحول رابطه میان انسان و خدا در سنت یهودی پرداخته و بر نقش بنیادین حضرت ابراهیم (ع) در بازتعریف این ارتباط در قالب «عهد الهی» متمرکز است. در این چارچوب، تحول مفهومی عهد از یک مناسک آیینی در جوامع چندخدایی به یک پیمان دوسویه مبتنی بر ایمان و وفاداری در سنت یکتاپرستانه مورد تحلیل قرار می‌گیرد. مقاله با بررسی سه عهد اصلی میان خدا و ابراهیم در کتاب پیدایش، نشان می‌دهد که این عهدها چگونه هویت دینی و فرهنگی بنی اسرائیل را شکل داده و مفاهیم توحید، مسئولیت اخلاقی، و ارتباط شخصی با خداوند را تثبیت نموده‌اند. همچنین، با رویکردی تطبیقی، به انعکاس این تحول در مسیحیت و اسلام نیز اشاره شده و نقش ابراهیم به‌عنوان بنیان‌گذار سنت معنوی مشترک در ادیان ابراهیمی برجسته می‌شود. تحلیل حاضر با تکیه بر متون مقدس، تفسیرهای یهودی و منابع تاریخی-الهیاتی، تبیینی نظام‌مند از نحوه شکل‌گیری یک الگوی نوین رابطه الهی-انسانی در اندیشه دینی یهودی ارائه می‌دهد.

کلید واژه: عهد الهی، حضرت ابراهیم (ع)، یهودیت، توحید، رابطه انسان و خدا، ادیان ابراهیمی

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۳

۳. دانش آموخته دکتری مطالعات تطبیقی ادیان (الهیات مسیحی)، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، (نویسنده مسئول): alamdar6161@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق و فقه مقارن، دانشکده مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران a.farsi@urd.ac.ir

مقدمه

ارتباط انسان با خداوند از مهم‌ترین مفاهیم بنیادین در تاریخ اندیشه دینی است؛ مفهومی که در ادیان ابراهیمی، به‌ویژه یهودیت، ساختار الهیاتی و هویت‌ساز یافته است. در جوامع باستانی، این رابطه عمدتاً در چارچوب آیین‌های چندخدایی و اعمال شفیعانه تنظیم می‌شد. اما در نقطه‌ای تعیین‌کننده از تاریخ دینی، حضرت ابراهیم (ع) با طرح مفهوم یکتاپرستی در بستر یک پیمان اخلاقی-ایمانی، آغازگر تحولی اساسی در تلقی از رابطه خدا و انسان شد. پژوهش حاضر با رویکردی درون‌دینی و الهیاتی و بر پایه تحلیل متون مقدس عبری و تفاسیر یهودی، به تبیین دقیق‌تر مفهوم «عهد» به‌عنوان محور تحول مذکور در سنت یهودی می‌پردازد. در متون کتاب مقدس، سه پیمان متمایز میان خدا و ابراهیم ذکر شده که هر یک ابعاد خاصی از رابطه الهی را بازتاب می‌دهند. این پژوهش می‌کوشد با تفکیک و تحلیل این عهدها، نشان دهد چگونه رابطه میان انسان و خدا از یک رابطه آیینی و مناسکی، به یک رابطه معرفت‌شناختی، اخلاقی و نهادساز تحول یافت. در این مقاله تلاش شده است ضمن پرهیز از تکرار و کلی‌گویی، با استفاده از منابع مستند و روش تحلیلی، جایگاه ابراهیم (ع) در نهادینه‌سازی توحید و بنیان‌گذاری رابطه‌ای متقابل و تعهدآور با خداوند تبیین شود.

سؤال اصلی تحقیق این است که:

عهد الهی با ابراهیم چگونه موجب تحول مفهومی رابطه انسان و خدا در سنت یهودی شد و چه تأثیری بر ساختار الهیات، هویت جمعی و نظام دینی یهود گذاشت؟ همچنین در مسیر پاسخ، به صورت محدود و تطبیقی، به بازتاب‌های این الگو در سنت مسیحی و اسلامی نیز اشاره خواهد شد.

پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر بر بستری از مطالعات تاریخی، الهیاتی و تطبیقی در حوزه ادیان ابراهیمی استوار است. آثار متعددی در زبان انگلیسی و فارسی درباره مفاهیم عهد، یکتاپرستی، و نقش حضرت ابراهیم در شکل‌گیری ساختارهای اعتقادی یهودیت، مسیحیت و اسلام ارائه شده‌اند که در اینجا به برخی از برجسته‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

در حوزه الهیات عهد، کتاب الهیات عهد: دیدگاهی کتاب‌مقدسی اثر ویلیام کلاین از آثار شاخص است که با تمرکز بر عهد ابراهیمی در کتاب پیدایش، تحول رابطه انسان و خدا را تحلیل می‌کند (Klein, *Theology Covenant*, 1.vol, p.45). همچنین موز واینفلد در مقاله کلاسیک خود با

عنوان عهد بخشش در عهد عتیق و خاور نزدیک باستان به مقایسه الگوهای عهد در متون عبری و فرهنگ‌های سومری و اکدی می‌پردازد (Grant of Covenant The, Weinfeld, 1.vol, 190.p). در حوزه یکتاپرستی، اثر جان باوکر با عنوان ابراهیم: پدر ایمان‌ها به بررسی نقش ابراهیم در یهودیت، مسیحیت و اسلام پرداخته و مفاهیم بنیادین توحید را در سنت‌های سه‌گانه تحلیل می‌کند (Bowker, Abraham: The Father of Faiths, vol 1, 103.p). همچنین مارک اسمیت در اثر تأثیرگذار خود با عنوان خاستگاه یکتاپرستی کتاب مقدس، تحولی را بررسی می‌کند که طی آن اعتقاد به خدای واحد جایگزین نظام‌های چندخدایی شد (Smith, The Origins of Biblical Monotheism, 1.ol, 91.p).

از منابع اسلامی و تطبیقی، می‌توان به اثر مایکل کوک با عنوان قرآن: مقدمه‌ای بسیار کوتاه اشاره کرد که به تحلیل تطبیقی توحید در قرآن در نسبت با یهودیت و مسیحیت می‌پردازد (Cook, The Koran: A Very Short Introduction, vol 1, 64.p). همچنین رؤین فایرستون در مقاله‌ای با عنوان سفر ابراهیم و اثر آن بر ادیان ابراهیمی به بررسی حرکت ابراهیم از یک سنت دینی محلی به ساختار بین‌المللی ادیان پرداخته است (Journey's Abraham, Firestone, 1.vol, 28.p). در منابع فارسی، اثر محسن اسماعیلی با عنوان تاریخ ادیان ابراهیمی به‌ویژه در تحلیل زمینه‌های فرهنگی ظهور یکتاپرستی در شخصیت ابراهیم دارای ارزش است (اسماعیلی، تاریخ ادیان ابراهیمی، ج ۱؛ ص ۷۶). همچنین در کتاب پیامبران و توحید در اسلام اثر احمد رحمانی، نقش حضرت ابراهیم در نهادهای سازی یکتاپرستی در سنت اسلامی بررسی شده است (رحمانی، پیامبران و توحید در اسلام، ج ۱؛ ص ۹۳).

پژوهش حاضر از سه جهت نوآوری دارد:

۱. تحلیل دقیق سه عهد ابراهیمی بر اساس منابع عبری،
۲. بررسی تطبیقی تأثیرات الهیاتی عهد در سنت‌های ابراهیمی،
۳. تعیین ساختار فلسفی-الهیاتی رابطه خدا و انسان در چارچوب متون مقدس و تفاسیر کلاسیک.

۱. مفهوم‌شناسی عهد در متون مقدس و الهیات ابراهیمی

۱-۱. تعریف واژه «عهد» (Covenant / بریت)

واژه «عهد» در متون دینی به‌ویژه در سنت یهودی، مفهومی بنیادین است که نوعی توافق یا پیمان میان خدا و انسان را توصیف می‌کند. این واژه در عبری به صورت ("ברית" *berit*) آمده و در یونانی معادل آن «διαθήκη» (*diathēkē*) است. از نظر زبان‌شناختی، واژه "عهد" به معنای پیوند، توافق یا قرارداد است، اما در متون دینی، مفهومی بسیار ژرف‌تر دارد که بُعد قدسی، اخلاقی و نجات‌بخش نیز می‌یابد.

در سنت یهودی، عهد به‌مثابه رابطه‌ای رسمی، الزام‌آور و متقابل میان یهوه و قوم بنی‌اسرائیل تعریف می‌شود. این رابطه با وعده‌هایی از سوی خداوند همراه است و در مقابل، وفاداری، طاعت و التزام اخلاقی از سوی انسان مطالبه می‌شود (*Grant, vol. Weinfeld, The Covenant of*; ۱۸۶p).

از منظر اسلامی نیز، قرآن کریم بر وجود عهدهای الهی با انبیاء و امت‌ها تأکید کرده و آن را عامل اصلی تنظیم رابطه معنوی، ایمانی و اجتماعی میان خدا و بندگان دانسته است. در سوره بقره، آیه ۱۲۴ آمده است:

(وَإِذْ أَخَذْنَا مِنْ بُرْهَانِهِمْ رُفَّةً بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّمْنَاهُ فَقَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا) (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱؛ ص ۲۷۴).

در سنت مسیحی، مفهوم عهد نوین (Covenant New) بر اساس ایمان به عیسی مسیح بازسازی شده و بر جایگزینی عهد کهن با رابطه‌ای روحانی و نجات‌بخش تأکید دارد (*New The, Davidson*; ۱.vol, Covenant; ۶۷p).

۱-۲. گونه‌شناسی عهد در سنت یهودی

در منابع عبری، سه عهد مهم با حضرت ابراهیم (ع) ذکر شده‌اند که هر یک از آن‌ها وجهی خاص از رابطه خدا و انسان را نمایان می‌سازد:

شماره	محل ذکر	ویژگی	محتوای عهد
۱	پیدایش ۱۲:۱-۳	آغاز دعوت ابراهیم	وعده سرزمین، نسل و برکت
۲	پیدایش ۱۵:۱-۲۱	مبتنی بر قربانی و رؤیا	تثبیت وعده زمین برای نسل ابراهیم
۳	پیدایش ۱۷:۱-۱۴	مشروط به وفاداری نسل‌ها	عهد ختنه؛ نشانه فیزیکی پیمان

این سه عهد، الگوی گسترش یافته‌ای از تعهد متقابل را نشان می‌دهند که از یک وعده آغازین به رابطه‌ای مبتنی بر وفاداری آیینی، اخلاقی و تاریخی ختم می‌شود (Smith, *The Bible of Origins*, Ivo, *Monotheism*, 102.p).

۳-۱. ویژگی‌های عهد ابراهیمی در الهیات یهودی

در تفسیر سنتی یهود، عهد ابراهیمی واجد ویژگی‌هایی خاص است که آن را از سایر انواع پیمان‌های دینی متمایز می‌کند:

۱. **دوجانبه بودن:** اگرچه خداوند آغازگر پیمان است، اما پای‌بندی ابراهیم و نسل او به عنوان شرط تداوم آن معرفی می‌شود (پیدایش ۹:۱۷).

۲. **ماهیت انتخاب‌گرا:** بنی اسرائیل بر مبنای این عهد، قوم برگزیده الهی شناخته می‌شوند (پیدایش ۷:۱۷).

۳. **تجلی عملی در مناسک:** ختنه به عنوان نشانه عهد، بعدی فیزیکی و آیینی به رابطه می‌بخشد (پیدایش ۱۷:۱۱).

۴. **پیامد تاریخی و سرزمینی:** وعده ارض موعود، بعد جغرافیایی به عهد می‌افزاید (پیدایش ۱۵:۱۸).

به تعبیر واینفلد، عهد ابراهیمی نوعی «عهد بخشش سلطنتی» است که گرچه از سوی خداوند اعطا می‌شود، اما وفاداری و اطاعت را به عنوان شروط لازم معرفی می‌کند (Weinfeld, *Covenant The*, Ivo, *Grant of*, 191.p).

۴-۱. جایگاه عهد در سنت‌های ابراهیمی دیگر

در مسیحیت: پولس رسول در رساله به رومیان (۳-۱:۴) ایمان ابراهیم را مبنای عهدی نوین می‌داند که فراتر از شریعت یهودی است (Paul, *Letter to the Romans*, 1.vol, 55.p). مفهوم عهد جدید در اناجیل با واژه *καινή διαθήκη* معرفی شده که به عهد نجات اشاره دارد.

در اسلام: عهد ابراهیمی، به‌ویژه در سوره بقره آیه ۱۲۴، در قالب مقام امامت معرفی می‌شود. ختنه، حج و توحید از تجلیات این عهد هستند. تفسیر طبری و المیزان نیز این عهد را بر محور توحید و

اطاعت اخلاقی بازخوانی می‌کنند (طبری، جامع البیان، ج ۱؛ ص ۴۵۳؛ طباطبایی، المیزان، ج ۱؛ ص ۲۷۴).

۲. زمینه تاریخی و فرهنگی مفهوم عهد پیش از ابراهیم (ع)

۲-۱. فضای دینی و اجتماعی خاورمیانه باستان

پیش از ظهور حضرت ابراهیم (ع)، جوامع خاورمیانه باستان، به‌ویژه در منطقه بین‌النهرین، کنعان و مصر، دارای ساختارهای دینی پیچیده و چندخدایی بودند. این نظام‌های دینی عمدتاً مبتنی بر پرستش ایزدان گوناگون محلی بودند که هر یک دارای قلمرو، وظیفه و معبد خاصی بودند. رابطه انسان با این ایزدان نه بر اساس مفاهیم اخلاقی یا تعهد متقابل، بلکه بر اساس مناسک آیینی، قربانی و جلب رضایت خدا/یان برقرار می‌شد.

در سنت سومری و اکدی، خدایان همچون پادشاهانی متعال تصویر می‌شدند که نیازمند خدمت انسان بودند. عهد یا *tuūkin* در زبان اکدی نوعی فرمان سلطنتی بود، نه یک پیمان دوسویه. در این میان، اسناد الواح کشف‌شده از اور، ماری و نوزی نشان می‌دهند که شکل‌گیری توافق‌نامه‌های سیاسی و حقوقی با ساختاری شبیه به عهد بعدها در الهیات ابراهیمی بازتاب یافت (*sonSās*, *East Near Ancient the of Civilizations*, vol. ۱; p. ۳۰۲).

۲-۲. الگوهای عهد در میان‌رودان و کنعان

در متون هیتی و اکدی، دو نوع عهد شناخته می‌شد:

۱. عهد سلطنتی یک‌جانبه (Grant Royal): که در آن شاه به رعایا زمینی یا امتیازی عطا می‌کرد و وفاداری بدون الزام متقابل درخواست می‌شد.

۲. عهد تابعیتی (Treaty Suzerainty): عهدی دوجانبه که تابع موظف بود شروطی را رعایت کند و در صورت تخلف با مجازات روبرو می‌شد. ساختار این نوع عهد بعدها در عهد سینایی میان خدا و بنی‌اسرائیل قابل مشاهده است.

مطالعات یان آسانمن نشان می‌دهد که تفاوت عهد ابراهیمی با این الگوها در بُعد اخلاقی و توحیدی آن نهفته است، جایی که خداوند نه چون پادشاهی خودخواه، بلکه چون خالق آگاه و عهددار وارد رابطه می‌شود (*Assmann, Egypt of Mind The*, vol. ۱; p. ۱۳۳).

۲-۳. زمینه تاریخی سفر ابراهیم و تحول الهیات عهد

ابراهیم (ع) بر اساس روایت کتاب مقدس، از «اور کلدانیان» به سوی کنعان هجرت کرد (پیدایش ۱۱:۳۱). این مهاجرت نه تنها یک تحول جغرافیایی، بلکه شکلی از گسست الهیاتی از سنت‌های دینی نیاکان او محسوب می‌شود. متن کتاب یوشع به صراحت از بت پرستی خاندان ابراهیم پیش از هجرت سخن می‌گوید: «آباء شما در آن سوی رود، بت‌ها را پرستیدند» (یوشع ۲۴:۲). این تحول، بنیان‌گذار مفهومی نو از رابطه خدا و انسان شد که در آن، خداوند یکتا، فعال در تاریخ و عهدبند تعریف می‌شود.

در این میان، مفهوم «دعوت الهی» (Calling) که در پیدایش ۱:۱۲ به آن اشاره شده، نقشی کلیدی در بنیادگذاری رابطه عهدی دارد. دعوتی که از ابراهیم می‌خواهد «خانه پدر و قوم خود را ترک کند» تا به سرزمینی جدید هدایت شود، اشاره‌ای به قطع پیوند با جهان دینی کهن دارد (wkerBo, *Abraham: The Faiths of Father*, vol. ۱, p. ۵۱).

۲-۴. ختنه به مثابه نشانه عهد

در متون بین‌النهرینی، ختنه عملی نادر است، اما در مصر باستان، آثار باستانی مانند نگاره‌های مقبره آنخ‌ماهور در سقاره، ختنه را به عنوان مراسمی دینی و گذار نشان می‌دهند. یان بومر تأکید می‌کند که در عهد ابراهیمی، ختنه از یک آیین محلی به نشانه‌ی الهی یک عهد دینی ارتقا یافت (omerB, *World Ancient the in Circumcision*, vol. ۱, p. ۱۴۸).

در عهد ابراهیمی (پیدایش ۱۷)، ختنه نه تنها نشانه فیزیکی بلکه شرطی برای بقای عهد است: «این است عهد من با تو... هر ذکوری از شما مختون شود» (پیدایش ۱۷:۱۰-۱۱). این نکته نشان‌دهنده انتقال عهد از سطح مفهومی به سطح آیینی و اجتماعی است.

۳. تحلیل سه گانه عهدهای ابراهیمی در کتاب مقدس

در کتاب پیدایش، رابطه خدا با ابراهیم (ع) در قالب سه پیمان مستقل و تدریجی شکل می‌گیرد. این عهدها، از وعده اولیه تا تثبیت هویت قومی و دینی بنی اسرائیل را در بر می‌گیرند و بنیان‌گذار نظامی

الهیاتی در یهودیت می‌شوند. در این بخش، هر یک از این عهدها به صورت دقیق و با ارجاع به متن مقدس و تفاسیر مرتبط بررسی می‌شوند.

الف) عهد نخست: دعوت و وعده برکت (پیدایش ۱۲:۱-۳)

در اولین مواجهه الهی با ابراهیم، خداوند از او می‌خواهد که سرزمین و قوم خود را ترک کند و به سرزمینی که خداوند نشان خواهد داد، برود. در مقابل، خدا وعده‌هایی شامل برکت، شهرت، و نسل فراوان به او می‌دهد: «به سرزمینی که به تو نشان خواهم داد برو، و تو را امتی عظیم خواهم ساخت... و همه قبایل زمین در تو برکت خواهند یافت» (پیدایش ۱۲:۱-۳). ویژگی‌های این عهد: الف) رابطه در این عهد، بر اعتماد مطلق و پاسخ مثبت انسانی مبتنی است. ب) هنوز نشانه آیینی ندارد و بیشتر یک دعوت نبوی است.

در تحلیل الهیاتی: این عهد، نقطه آغاز تعریف مجددی از انسان به عنوان مخاطبِ مسئولِ اراده الهی است. از منظر هرمنوتیکی، این لحظه را می‌توان گسست از الگوی باستانی سرسپردگی به خدایان محلی و ورود به رویکرد توحیدی-پویای وحیانی دانست (Bowker, *The Father of Faiths*, vol. ۱; p. ۵۳).

ب) عهد دوم: تثبیت وعده در رؤیا (پیدایش ۱۵:۱-۲۱)

در این مرحله، ابراهیم از نداشتن نسل نگران است. خداوند در رؤیایی نمادین، به ابراهیم اطمینان می‌دهد که نسل او همانند ستارگان آسمان خواهد بود و سرزمین کنعان از آن ایشان خواهد شد. این وعده با آیینی خاص همراه است: ابراهیم باید حیواناتی را قربانی کرده و میان اجزای آن‌ها راه رود؛ نماد یک عهد رسمی.

ویژگی‌های این عهد: الف) عهدی تقویت‌کننده و اطمینان‌بخش است. ب) با نماد قربانی تثبیت می‌شود. ج) وعده مالکیت سرزمین کنعان داده می‌شود.

از بعد و تحلیل تاریخی: ساختار این عهد شباهت آشکاری به عهدهای تابعیتی در متون هیتی و آشوری دارد که در آن قربانی و راه رفتن میان نیم‌تنه‌های حیوانات به عنوان نشانه تعهد طرفین به کار می‌رفت (Weinfeld, *The Grant of Covenant*, vol. ۱; p. ۱۹۰).

ج) عهد سوم: عهد ختنه و هویت نسل (پیدایش ۱۷:۱-۱۴)

در این مرحله، ابراهیم ۹۹ ساله است. خداوند عهد خود را با او تجدید می‌کند، ولی این بار از او و نسلش می‌خواهد که نشانه‌ای فیزیکی (ختنه) از این پیمان را بپذیرند. از این پس، هر کودک پسر باید در روز هشتم تولد مختون شود.

«و این است عهد من با تو... هر ذکوری از شما مختون شود؛ و این نشان عهد خواهد بود میان من و شما» (پیدایش ۱۷: ۱۰-۱۱). ویژگی‌های این عهد:

۱. نخستین عهد مشروط به عمل انسانی (ختنه).
 ۲. نشان ماندگار نسل‌ها و بخشی از هویت قومی اسرائیل.
 ۳. خداوند نام ابرام را به ابراهیم تغییر می‌دهد (از "پدر بلندمرتبه" به "پدر امم").
- در تحلیل دینی-اجتماعی در این مرحله از عهد، انسان را به‌صورت نمادین و آیینی وارد یک ساختار مقدس مبتنی بر نشانه فیزیکی می‌سازد. تحلیل اسنادی تورات نیز نشان می‌دهد که این عهد در دوره تبعید بابلی برای تقویت هویت قومی بنی‌اسرائیل بازخوانی شده است (the Reading, Carr, *Genesis of Fractures*, vol. ۱; p. ۱۴۸).

د) مقایسه تطبیقی سه عهد

این روند، نشان‌دهنده تکامل رابطه خدا و انسان از رابطه فردی به رابطه قومی و نهادی است.

عهد سوم	عهد دوم	عهد اول	ویژگی
تعهد آیینی	تثبیت وعده	دعوت الهی	نوع رابطه
ختنه و هویت	رؤیا و قربانی	ایمان و هجرت	عنصر اصلی
سازمان‌دهی نسل و قوم	وعده سرزمین	آغاز رسالت	وجه اجتماعی
عمل و وفاداری آیینی	تصدیق وعده	اعتماد	واکنش انسانی

ه) بازتاب عهد‌ها در تفاسیر یهودی

در تلمود بابلی و آثار مفسرانی چون راشی و ابن‌عزرا، عهد ابراهیمی به‌عنوان بنیاد الهیات یهودی در نظر گرفته شده است. راشی بر ابعاد ایمانی و آیینی عهد تأکید دارد، در حالی که ابن‌عزرا نقش آن

در تعیین هویت جمعی را برجسته می‌سازد. در «میشنه توراه» اثر ابن میمون، این عهدها سه مرحله تاریخی برای درک خدای واحد، رسالت، و وظایف قومی معرفی می‌شوند (Maimonides, Torah Mishneh, 1.vol, 18.p).

۴. نقش ابراهیم در تحول رابطه انسان و خدا در الهیات یهودی

پیش از ابراهیم، پرستش در فرهنگ‌های خاور نزدیک باستان غالباً مبتنی بر آیین‌های رسمی، قربانی‌ها و ترس از خدایان ناپایدار بود. با ظهور ابراهیم، برای نخستین بار پرستش به سطحی ارتقا یافت که در آن خداوند نه فقط نیرویی فراطبیعی، بلکه موجودی اخلاقی، مخاطب‌پذیر و عهدمدار معرفی می‌شود.

در این رویکرد جدید، پرستش نه فقط یک «وظیفه دینی»، بلکه پاسخی ایمانی به دعوت و وعده الهی است. ابراهیم در کتاب مقدس «دوست خدا» نامیده می‌شود (اشعیا ۴۱:۸)، مفهومی که در هیچ یک از متون باستانی پیش از آن سابقه ندارد. این تغییر، آغازگر الگویی جدید در تاریخ ادیان است که طی آن، پرستش مبتنی بر شناخت، محبت و عهد شکل می‌گیرد (Brueggemann, *Testament Old the of Theology*, 1.vol, 342.p).

یکی از مهم‌ترین تحولات در رابطه انسان و خدا، معرفی خداوند به عنوان عامل مؤثر در تاریخ انسانی است. در عهدهای ابراهیمی، خداوند صرفاً در آسمان یا در معبد ساکن نیست، بلکه در مسیر زندگی فرد و قوم حضور دارد. او فرمان می‌دهد، وعده می‌دهد، آزمون می‌کند، و حتی سرنوشت تاریخ را تنظیم می‌کند. مثال روشن این تحول در واقعه‌ی «آزمون قربانی فرزند» دیده می‌شود (پیدایش ۲۲)، که در آن خداوند اراده، اخلاق و ایمان ابراهیم را به چالش می‌کشد.

در الهیات یهودی، این تصویر از خدا—به‌ویژه در برابر تصویر ایزدان غیرشخصی و صرفاً طبیعی خاورمیانه باستان—تحولی انقلابی تلقی می‌شود (Levenson, *Abraham Inheriting*, 1.vol, 93.p).

در عهدهای ابراهیمی، انسان صرفاً مطیع اوامر نیست، بلکه در برنامه الهی مشارکت می‌یابد. خداوند نه فقط حکم می‌دهد بلکه با انسان گفتگو می‌کند، از او نظر می‌خواهد (پیدایش ۱۷:۱۸-۳۳ درباره قوم لوط)، و حتی بر اساس وفاداری انسانی عهد خود را تثبیت یا متوقف می‌کند. این مشارکت فعال انسانی در رابطه با خدا، برای نخستین بار در تاریخ الهیات به صورت رسمی و ساختاری معرفی

می‌شود. ابراهیم، نخستین شخصیتی است که «مسئول» رابطه خود با خدا محسوب می‌شود، نه صرفاً «مطیع». در الهیات معاصر یهود، این نکته به صورت گسترده تحلیل شده است. مایکل والزر معتقد است که ابراهیم، الگویی از انسان/اخلاق‌ورز و پرسشگر در برابر خدا ارائه می‌دهد، نه صرفاً پیامبر فرمان‌پذیر (Walzer, *Revolution and Exodus*, vol. ۱; p. ۶۷).

در الهیات عهد در تفسیرهای یهودی مدرن، مفسران مدرن یهود مانند مارتین بوبر و هشل، عهد ابراهیمی را نقطه‌ای عزیمت الهیات بیناذهنی (Theology Thou-I) می‌دانند. در این تفسیر، رابطه انسان با خدا بر مبنای گفت‌و شنود، تعهد و مسئولیت متقابل تعریف می‌شود، نه قدرت و ترس. بوبر می‌نویسد:

«در ابراهیم، ما برای نخستین بار انسانی را می‌بینیم که با خدا گفت‌وگو می‌کند و نه فقط دعا می‌خواند؛ عهد، مکالمه است، نه دستور» (Buber, *I, Thou and God*, p. ۸۲).

این رویکرد، تأثیر عمیقی بر الهیات پروتستان و همچنین الهیات سیاسی مدرن یهود گذاشته است.

مقایسه تاریخی-الهیاتی: رابطه انسان و خدا پیش و پس از ابراهیم

عنصر	پیش از ابراهیم	در عهد ابراهیمی
خدایان	چندخدایی، متغیر، غیر شخصی	یگانه، اخلاق‌مدار، فعال در تاریخ
انسان	مطیع آیین‌ها، قربانی‌دهنده	وفادار، شریک در عهد
رابطه	آیینی و ترس‌محور	گفت‌وگو، عهد و تعهد متقابل
پرستش	مراسم رسمی، خشنودی خدایان	پاسخ به دعوت الهی، ایمان و اطاعت

۵. بازتاب عهد ابراهیمی در مسیحیت و اسلام: رویکردی تطبیقی

عهد الهی با ابراهیم (ع) نه تنها در الهیات یهودی جایگاه بنیادین دارد، بلکه در دو دین دیگر ابراهیمی—یعنی مسیحیت و اسلام—نیز حضوری قاطع و تعیین‌کننده دارد. در هر یک از این سنت‌ها، ابراهیم به عنوان نماد ایمان، اطاعت و برگزیدگی مطرح می‌شود؛ اما نحوه تفسیر و بازخوانی عهد ابراهیمی، بر اساس پیش‌فرض‌های الهیاتی متفاوت، به اشکال گوناگونی ظهور یافته است. در مسیحیت، به ویژه در آموزه‌های پولس، عهد با ابراهیم به مثابه پیش‌نمونه‌ای از عهد نوین نجات از طریق ایمان در نظر گرفته شده است. در مقابل، در اسلام، عهد با ابراهیم با مفاهیمی چون توحید،

امامت و طهارت نسلی پیوند یافته و از ابراهیم به عنوان یک «امت» و پدر پیامبران یاد شده است. این بخش با نگاهی تطبیقی، بازتاب‌ها، امتدادها و تفاوت‌های مفهوم عهد ابراهیمی در این دو سنت را تبیین و تحلیل می‌شود.

۵-۱. عهد ابراهیمی در مسیحیت: از وعده تا تحقق در مسیح

در سنت مسیحی، مفهوم «عهد» (Covenant) جایگاه محوری در الهیات نجات‌شناسانه دارد. مسیحیت اولیه، به‌ویژه در آثار پولس رسول، عهد الهی را نه به عنوان پیمانی قومی یا آیینی، بلکه به مثابه الگویی روحانی برای نجات جهانی تفسیر می‌کرد. این نگرش باعث شد که عهد ابراهیمی، که در سنت یهودی شالوده قومیت، ختنه، و تعلق به سرزمین وعده بود، در الهیات مسیحی به صورت پیش‌نمونه‌ای از عهدی کامل‌تر و جهانی‌تر در شخص مسیح بازخوانی شود (Paul, Letter to the Romans and Christian Doctrines, ۱۸:۲).

پولس رسول در رساله‌های خود، به‌ویژه در «رومیان» و «غلاطیان»، تأکید دارد که ابراهیم پیش از نزول شریعت، تنها به سبب ایمان، مورد قبول خدا واقع شد: «ابراهیم به خدا ایمان آورد، و این برای او عدالت شمرده شد» (رومیان، ۳:۴).

او از این آموزه نتیجه می‌گیرد که نجات انسان‌ها نه با شریعت، بلکه با ایمان حاصل می‌شود. بدین‌سان، ابراهیم نه تنها پدر قوم اسرائیل، بلکه پدر تمامی مؤمنان معرفی می‌شود: «کسانی که از ایمان هستند، پسران ابراهیمند» (غلاطیان، ۷:۳).

پولس با این رویکرد، مفهوم عهد را از چارچوب نسل‌محور و شریعت‌مدار یهودی خارج کرده و به یک رابطه شخصی و مبتنی بر ایمان گسترش می‌دهد (Paul, Letter to the Romans and Christian Doctrines, ۹۲:۴).

۵-۱-۱. عهد نوین در مسیح و تحقق وعده‌ها

در متون اناجیل، به‌ویژه در «لوقا»، از عهدی نو یاد می‌شود که با مرگ عیسی بر صلیب شکل می‌گیرد: «این است جام عهد نوین در خون من که برای شما ریخته می‌شود» (لوقا، ۲۲:۲۰). این عهد جدید، نه تنها ادامه‌ای از عهد ابراهیمی است، بلکه تحقق کامل آن به‌شمار می‌آید. به‌جای ختنه جسم، ختنه قلب؛ به‌جای قوم خاص، جماعت مؤمنان؛ و به‌جای شریعت بیرونی، روح‌القدس درونی جای

می‌گیرد (Davidson, The New Covenant, ۳:۲۱۵). از این‌رو، بسیاری از متفکران مسیحی عهد نوین را «پیمان فیض» در برابر «پیمان شریعت» می‌نامند.

۵-۱-۲. تداوم یا گسست؟ رویکردهای الهیاتی

در تاریخ الهیات مسیحی، دو رویکرد اصلی درباره نسبت میان عهد ابراهیمی و عهد جدید شکل گرفته است:

نخست، رویکرد تداومی (ityContinu) که معتقد است عهد جدید ادامه طبیعی عهد ابراهیمی است. در این نگرش، خداوند همان وعده‌ها را که به ابراهیم داده بود، اکنون در مسیح تحقق می‌بخشد. کلیسا جایگزین قوم اسرائیل نمی‌شود، بلکه توسعه آن در سطح جهانی است (حیدری، مسیحیت و تفاوت‌های آن با یهودیت، ج ۱: ۱۲۰).

در مقابل، رویکرد گسستی (Discontinuity) بر این باور است که با ظهور مسیح، شریعت و نظام آیینی پیشین منسوخ شد و عهدی نو، مبتنی بر بخشایش الهی و ایمان شخصی، جایگزین آن گردید (Bockmuehl, Testament New the in Covenant of Idea The, ۲:۳۷). مکتب اصلاح دینی پروتستان این گسست را برجسته‌تر ساخت و تأکید نمود که عهد جدید هیچ وابستگی دینی یا قومی به عهد ابراهیمی ندارد.

مطهری در بحث تحولات تاریخی مفاهیم در ادیان ابراهیمی، به گسست مفهومی عهد در مسیحیت اشاره دارد (مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ج ۳: ۲۹۴).

۵-۲-۳. ارزیابی تطبیقی و آثار معنوی

نتیجه‌گیری نهایی این است که در سنت مسیحی، مفهوم عهد همچنان حفظ شده، اما شکل و محتوای آن دگرگون شده است. ابراهیم، به جای بنیان‌گذار قوم خاص، به پدر تمامی مؤمنان بدل می‌شود (غلاطیان، ۲۹:۳). شریعت جای خود را به فیض داده و مناسک ظاهری جای خود را به رابطه‌ای قلبی با خداوند سپرده است. در این الگو، عهد نه قراردادی تاریخی، بلکه تجربه‌ای درونی، وجودی و جهانی برای نجات انسان از گناه معرفی می‌شود.

به این ترتیب، مسیحیت با تأسی از ابراهیم، الگویی نو از رابطه انسان و خدا ترسیم می‌کند که بر اساس ایمان، نجات، و محبت الهی بنا شده است؛ الگویی که عهد را از ساختار قومی به سطح روحانی و

جهانی ارتقا می دهد. واژگان کلیدی این بخش مانند: «عهد جدید»، «ختنه قلب»، «قوم مؤمن»، و «پدر ایمانداران» همگی باز نمود این تحول در الگوی عهد هستند.

۵-۲. عهد ابراهیمی در اسلام: امامت، توحید و نسک دینی

۵-۲-۱. ابراهیم به مثابه پدر توحید

در قرآن، ابراهیم (ع) شخصیتی محوری در تاریخ توحید است. او نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه: «مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا» (آل عمران: ۶۷). در این آیه، ابراهیم به عنوان بنیان گذار آیینی حنیف و موحد معرفی می شود و بدین ترتیب، عهد او با خدا، برآمده از انتخاب آزاد، ایمان خالص و هجرت معنوی است.

۵-۲-۲. مفهوم امامت به مثابه عهد الهی

در آیه ای کلیدی، قرآن از امامت ابراهیم پس از موفقیت در امتحانات الهی یاد می کند: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا... قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره: ۱۲۴). در این آیه، عهد الهی با ابراهیم به مقام امامت تعبیر شده و شرط آن، طهارت وجودی و پرهیز از ظلم معرفی می شود. تفاسیر شیعی این آیه را مبنای فلسفه امامت و استمرار عهد الهی در نسل پیامبر (ص) می دانند (طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۲۸۶).

۵-۲-۳. نشانه های عهد: ختنه و حج

در سنت اسلامی، ختنه به عنوان سنت ابراهیمی پذیرفته شده است، اگرچه در قرآن تصریحی به آن نشده است (نک: صحیح بخاری، باب الفطرة). از سوی دیگر، اعمال حج مانند قربانی، رمی جمرات، سعی صفا و مروه، همه یادگارهای ابراهیم تلقی می شوند: «وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسماعيلُ» (بقره: ۱۲۷). بدین ترتیب، در اسلام، عهد ابراهیمی نه تنها مفهومی الهیاتی، بلکه ساختاری آیینی، نسلی و تاریخی دارد.

۵-۳. تحلیل تطبیقی عهد در سه سنت ابراهیمی

عصر	یهودیت	مسیحیت	اسلام
نوع عهد	تاریخی-قومی	روحانی-جهانی	توحیدی-امامتی
نشانه عهد	ختنه	خون مسیح	ختنه، حج
الگوی رابطه	قوم برگزیده	نجات با ایمان	امت موحد
نقش ابراهیم	پدر قوم	نماد ایمان	امام، پدر انبیا
دامنه عهد	قومی (نسل اسحاق)	جهانی (ایمان آوران)	جهانی (امت تسلیم)

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با تمرکز بر مفهوم عهد الهی و با تکیه بر جایگاه بنیادین حضرت ابراهیم (ع) در سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام، تلاش نمود تا تحول الگوی رابطه انسان و خدا را در پرتو شخصیت این پیامبر الهی تحلیل کند. مسئله اصلی مقاله آن بود که ابراهیم چگونه به الگویی برای پیوندی نو در عرصه ایمان، مسئولیت پذیری اخلاقی و مشارکت انسانی در تقدیر الهی تبدیل شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که در یهودیت، عهدهای سه گانه خدا با ابراهیم ساختار هویتی، آیینی و تاریخی قوم بنی اسرائیل را بنیان می‌نهد؛ در مسیحیت، به‌ویژه در تفسیر پولسی، عهد ابراهیمی به عنوان بنیاد نجات از طریق ایمان معرفی شده و ابراهیم به‌مثابه پدر ایمانداران در کل تاریخ معنا می‌یابد؛ و در اسلام، مفاهیم توحید، هجرت، امامت، و مناسک حج از دل عهد با ابراهیم بازخوانی شده و شخصیت او در قامت امام، امت، حنیف و مسلم تجلی می‌یابد.

تحلیل تطبیقی این سه سنت نشان داد که با وجود اختلافات الهیاتی، همگی ابراهیم را واسطه تحولی عمیق در درک و تجربه دینی می‌دانند؛ شخصیتی که نه تنها مطیع اوامر الهی است، بلکه با خداوند به گفت‌وگو می‌پردازد، پرسش می‌کند، و نقش فعالی در فرآیند تحقق وعده الهی ایفا می‌نماید. بدین سان، مفهوم عهد در هر سه سنت، از قالب یک قرارداد صرف دینی فراتر رفته و به چارچوبی برای هویت دینی، کنش اخلاقی و حتی نظم اجتماعی تبدیل می‌شود. این تحلیل نشان داد که الهیات عهد ابراهیمی ظرفیت آن را دارد که به یکی از کلیدهای مهم در فهم رابطه انسان و امر قدسی در بافت تاریخی، سیاسی و الهیاتی ادیان ابراهیمی بدل شود.

نوآوری مقاله در آن است که با تغییر رویکرد از سطح توصیفی به سطح تحلیلی-تطبیقی، برای نخستین بار در متون فارسی، عهد ابراهیمی را نه تنها در یهودیت، بلکه در سه دین بزرگ به‌طور

هم‌زمان و بر اساس منابع اصیل تفسیری، الهیاتی و تاریخی بازخوانی کرده است. این رویکرد، افق‌هایی تازه در فهم چندلایه‌ی این مفهوم فراهم می‌سازد و راه را برای گفت‌وگویی میان‌فرهنگی در پرتو مفاهیم مشترک هموار می‌کند.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با تمرکز بر تطورات تاریخی مفهوم عهد از دوره‌های کهن تا مدرن، و نیز بررسی مقایسه‌ای مفاهیمی همچون امامت، کلیسا و شریعت به‌عنوان تجلی‌های نهادی عهد الهی، این مسیر پژوهشی را توسعه دهند. همچنین کاربردهای اجتماعی-سیاسی مفهوم عهد در سنت‌های معاصر، از جنبش‌های الهیات آزادی‌بخش تا الهیات مقاومت اسلامی، می‌تواند سطحی تازه از کارکردهای عهد در جهان معاصر را آشکار سازد.

در پایان، باید اذعان داشت که بازخوانی تطبیقی عهد ابراهیمی، نه فقط در فهم گذشته دینی، بلکه در بازسازی مفاهیم مشترک برای آینده‌ای مبتنی بر گفت‌وگو، ایمان، و مسئولیت، سهمی جدی خواهد داشت؛ آینده‌ای که در آن، ابراهیم نه فقط پدر قوم یا امتی خاص، بلکه نماد وحدت انسان در جستجوی خداوند خواهد بود.

منابع

۱. اسماعیلی، محسن. (۱۳۹۳). *تاریخ ادیان ابراهیمی*. تهران: دانشگاه تهران.
۲. رحمانی، احمد. (۱۳۹۳). *پیامبران و توحید در اسلام*. تهران: سمت.
۳. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن* (جلد ۱). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. طبری، محمد بن جریر. (۲۰۰۱). *جامع البیان عن تأویل آیه القرآن* (جلد ۱). قاهره: دار المعارف.
۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۱). *آشنایی با قرآن* (جلد ۳). تهران: صدرا.
۶. هادوی تهرانی، مهدی. (۱۳۹۶). «بررسی مفهوم عهد در قرآن و سنت». *فصلنامه مطالعات دینی تطبیقی*، ۸ (۲)، ۶۵-۹۰.
۷. قرآن مجید. ترجمه ایت الله مکارم شیرازی
۸. انجمن کتاب مقدس ایران. (۱۳۸۶). *کتاب مقدس: عهد عتیق و عهد جدید* (ترجمه ٔ مژده برای عصر جدید). تهران: انجمن کتاب مقدس ایران.
۹. حیدری، ا. (۱۳۹۴). *مسیحیت و تفاوت‌های آن با یهودیت* (ج ۱). قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.

۱۰. مطهری، م. (۱۳۷۹). خدمات متقابل اسلام و ایران (ج ۳). تهران: صدرا.

11. Assmann, J. (2001). The Mind of Egypt: History and Meaning in the Time of the Pharaohs. Harvard University Press.
12. Bockmuehl, M. (2010). The Idea of Covenant in the New Testament. Cambridge University Press.
13. Bomer, J. (1998). Circumcision in the Ancient World. Leiden: Brill.
14. Bowker, J. (1993). Abraham: The Father of Faiths. Cambridge University Press.
15. Brueggemann, W. (1997). Theology of the Old Testament: Testimony, Dispute, Advocacy. Fortress Press.
16. Buber, M. (1958). I and Thou (R. G. Smith, Trans.). Charles Scribner's Sons. ۱۷. Carr, D. M. (1996). Reading the Fractures of Genesis. Westminster John Knox Press.
17. Cook, M. (2000). The Koran: A Very Short Introduction. Oxford University Press.
18. Davidson, J. (2008). The New Covenant: A Christian Perspective. HarperCollins.
19. Firestone, R. (1997). Abraham's journey and its impact on Abrahamic religions. Islam and Christian-Muslim Relations, 8(1), 19-34.
20. Klein, W. (2010). Covenant Theology: A Biblical Perspective. Baker Academic.
21. Levenson, J. D. (2012). Inheriting Abraham: The Legacy of the Patriarch in Judaism, Christianity, and Islam. Princeton University Press.
22. Maimonides. (1998). Mishneh Torah: The Book of Knowledge (M. Hyamson, Trans.). Yale Judaica Series.
23. Paul, M. (2010). Letter to the Romans and Christian Doctrines. Cambridge University Press.
24. Sanders, E. P. (1977). Paul and Palestinian Judaism. Fortress Press.
25. Sasson, J. M. (1995). Civilizations of the Ancient Near East. Scribner.
26. Smith, M. S. (2001). The Origins of Biblical Monotheism. Oxford University Press.
27. Walzer, M. (1985). Exodus and Revolution. Basic Books.
28. Weinfeld, M. (1970). The covenant of grant in the Old Testament and the ancient Near East. Journal of the American Oriental Society, 90(2), 184-203.